

ابعاد پیدا و پنهان زیارت در گفت‌وگو با آیت‌الله ابراهیم امینی

تحریر به فرهنگ زیارت

چکیده

آیت‌الله ابراهیم امینی، از فقهای است که در عرصه علم و عمل موفق بوده و افزون بر آثار علمی فراوان، از سال‌های آغازین نهضت امام خمینی علیه السلام در کنار رهبر قیام بوده و پس از انقلاب نیز عهده‌دار مسئولیت‌های فراوان علمی و اجرایی بوده است. این نوشتار، حاصل گفتگو با ایشان درباره ابعاد پیدا و پنهان زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است. ایشان معتقدند ارزش زیارت قبور، به اعتبار صاحب قبور و ارتباطی است که زائر در باطن با این بندگان برگزیده خداوند برقرار می‌کند. همچنین احادیث در زمینه زیارت را دو دسته احادیث مربوط به مطلق زیارت معصومان علیهم السلام و احادیث مرتبط با حکمت و علل تشریح زیارت می‌داند. از نظر آیت‌الله امینی، فلسفه تشریح زیارت، برقراری و تحکیم روابط بین شیعیان با یکدیگر و نیز بین آنان و امام زمانشان است. آیت‌الله امینی بیانات ارزشمندی در خصوص حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام بر زائر، راه دستیابی به حال معنوی عبادت و زیارت، شرایط پذیرفته شدن زیارت و نیز مفاهیم مطرح‌شده در زیارتنامه‌ها فرمودند که شرح آنها در این گفتگو آمده است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله امینی، زیارت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امامان معصوم علیهم السلام، زائر.

در نگاه حضرت عالی، ارزش زیارت به چیست؟

ارزش زیارت قبور، به اعتبار صاحب قبور که روح آن بزرگواران در عالم برزخ بدانها توجه دارند، می باشد. در واقع، حضور باطنی است؛ یعنی زائر در باطن ذات و نفس خود با روح پیامبر ﷺ و امام معصوم علیه السلام ارتباط برقرار می سازد و خودش را بر آن انسانهای برگزیده و بنده خاص خداوند عرضه می دارد؛ چنان که در زیارت بیت الله نیز زائر، نفس و باطن ذات خویش را بر صاحب بیت، یعنی خدای سبحان عرضه می دارد. اصل استحباب و مرغوبیت زیارت قبور و مراقد پیامبر اعظم و امامان معصوم علیهم السلام و پادشاهان اخروی و دنیوی که در شرع آمده، قابل تردید نیست؛ چون احادیث فراوانی در این باره آمده که به حد تواتر معنوی است. بیش از پانصد حدیث، تنها در جلد چهاردهم کتاب «وسائل الشیعه»، وارد شده است. با مطالعه جلد ۱۰۰ و ۱۰۹ کتاب «بحار الانوار» و کتاب «مستدرک الوسائل» و سایر کتابهای حدیثی بیش از این نیز دیده می شود.

آیا صرف حضور فیزیکی در این مراقد، این همه ارزش دارد یا این ارزشها برای آثار معنوی است که بر این زیارتها مترتب می شود؟

در پاسخ صحیح به این سؤال باید به احادیث مربوطه، مراجعه و از راهنمایی های خود معصومین علیهم السلام استفاده کنیم. احادیث مرتبط با فضیلت و شرایط زیارت را می توان به چند دسته تقسیم نمود:

دسته اول، احادیث فراوانی است که در آنها به طور مطلق به زیارت معصومین علیهم السلام سفارش شده و از ثوابها و آثار دنیوی و اخروی مترتب بر آن خبر داده اند. اکثر احادیث همین گونه اند.



دسته دوم، احادیثی است که علاوه بر آن، به ذکر حکمت و علل تشریح زیارت نیز اشاراتی دارند. در این قبیل احادیث نیز بخشی از روایات هست که عرفان و شناخت حق امامان را به عنوان شرط قبولی زیارت و ترتب آثار معرفی می کنند. بیش از سی حدیث از این گونه اند. از باب نمونه:

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که قبر ابا عبدالله علیه السلام را زیارت کند، در حالی که عارف به حق او باشد، خدای متعال گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد».^۱

امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس قبر حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که عارف به حق او باشد، خدای متعال نام او را در اعلا علیین ثبت می کند».^۲

در این قبیل احادیث، گرچه به ضرورت شناخت و عرفان حق امام اشاره شده، ولی درباره تعیین مصداق و جنبه های مورد شناخت آن حضرت چیزی نیامده است که زائران چه جنبه هایی از امام را باید بشناسند و در زیارت مورد توجه قرار دهند تا به ثواب کامل زیارت نائل گردند؛ اگر چه در بعض احادیث بدین مطلب اشاره شده است.^۳

فلسفه تشریح زیارت به عنوان یک عبادت مستحب چیست؟

در رابطه با فلسفه تشریح زیارت به عنوان یک عبادت، می توان به اموری اشاره کرد که مهم ترین آنها عبارتند از: برقراری و تحکیم روابط بین شیعیان با یکدیگر از یک سو و بین آنان و امام زمانشان از سوی دیگر. ارزش و اهمیت چنین برنامه ای برای بقا و توسعه یک مرام و یک جمعیت بر کسی پوشیده نیست. در این باره آثار دیگری نیز منظور بوده که در آینده بدانها اشاره خواهد شد؛ اگر چه بالجمله از مراجعه به کتب حدیث و مزار چنین استفاده می شود که ائمه اطهار علیهم السلام نسبت به زیارت، عنایت خاصی داشته اند؛ به ویژه زیارت امام حسین و حضرت امام علی و امام رضا علیهم السلام و در این باره احادیث فراوانی وجود دارد که می توان گفت در حد تواتر معنوی و قطعی الصدور می باشند؛^۴ گرچه در بین آنها احادیثی وجود دارد که راویان آنها ضعیف یا مجهول یا مرسل (و بعضاً مجعول) می باشند، ولی من حیث المجموع یقین آورند و نیازی به بررسی سندی ندارند؛ مگر در برخی از آنها که در بیان ثواب، به مطالب اغراق آمیزی اشاره شده که پذیرش آنها با آیات قرآن و احادیث قطعی الصدور و عقل سازگار نیست. در چنین مواردی باید به مبانی حدیث شناسی مراجعه کرد.

مقصود از «عارفاً بحقه» در احادیث زیارت چیست؟

احادیث مربوط به زیارت به دو بخش تقسیم می‌شود:

مطلق و مقید: به احادیثی مطلق می‌گوییم که در آنها ثواب‌هایی برای زیارت مقرر شده؛ بدون این که قید و شرطی در آن آمده باشد و اکثر احادیث همین گونه‌اند؛ اما احادیث مقید و مشروط عبارتند از احادیثی که در آنها برای ثواب زیارت، به قیود و شرایطی اشاره شده است؛ مانند جمله «عارفاً بحقه». در این قبیل احادیث که بیش از سی روایت هستند،^۵ در ترتب ثواب‌ها قید شده که زائر باید عارف به حق زیارت شونده باشد.

بر طبق مبانی حدیث‌شناسی با این گونه قیود، احادیث مطلق، مقید و مشروط می‌شوند؛ یعنی زائر در صورتی زیارتش قبول می‌شود و می‌تواند انتظار ثواب‌های مقرر را داشته باشد که حق پیامبر و امام را بشناسد و به عنوان ادای حق و انجام وظیفه او را زیارت کند. بنابراین، زائر باید سعی کند حق زیارت شونده را بشناسد؛ آن‌گاه به زیارت برود؛ ولی در این دسته از احادیث، در این رابطه توضیحی نیامده است.

در تعدادی از همین احادیث، درباره حق زیارت شونده نیز توضیحاتی آمده است؛ برای نمونه: «حمزة بن حمران» از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«یکی از فرزندان من در سرزمین خراسان در شهر طوس به قتل می‌رسد؛ هر کس او را زیارت کند، در حالی که عارف به حق او باشد، من در قیامت با دست خودم او را داخل بهشت می‌کنم؛ گرچه اهل گناه هم باشد. راوی عرض کرد: فدایت شوم! عرفان حق او به چه معناست؟ امام فرمود: یعنی او را امام و واجب الاطاعة بدانند».^۶

نیز امام رضا علیه السلام فرمود:

«امام، پیمانی بر گردن دوستان و شیعیانش دارد و یکی از لوازم وفای به پیمان، زیارت قبور آنان می‌باشد. پس هر کس آنان را زیارت کند، در حالی که شوق به زیارت دارد و تصدیق می‌کند به آنچه آنان دوست دارند، امامانشان در قیامت از آنان شفاعت خواهند کرد».^۷

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

«به مسلمانان امر شده که به زیارت این سنگ‌ها (کعبه و حجرالاسود) بروند سپس نزد ما بیایند و مراتب ولایت خودشان را بر ما عرضه بدارند و به ما وعده نصرت بدهند».^۸

گفته شد که زیارت پیامبر اعظم ﷺ در صورتی پذیرفته می‌شود که زائر، حقوق او را بشناسد و ملتزم به آن باشد. حقوق پیامبر خدا بر عهده امت چیست؟
برای شناخت حقوق پیامبر ﷺ باید از آیات و احادیث استفاده کنیم. از این رو به چند آیه اشاره می‌کنیم:
قرآن می‌فرماید:

«ای مومنان! از خدا و پیامبر و اولوالامر اطاعت کنید، اگر به خدا و قیامت ایمان دارید. در مواردی که در چیزی تنازع و اختلاف نظر داشتید، در حل آن به خدا و رسول مراجعه نمایید. این بهتر و سرانجام نیکوتری دارد.»^۹
در آیه دیگری می‌فرماید:

«در دین شما، بر آنچه به نوح سفارش کرده بود مقرر داشت و نیز آنچه به تو وحی کرده‌ایم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرده‌ایم که دین را بر پا دارید و در آن اختلاف نکنید.»^{۱۰}

در آیه‌ای دیگر به پیامبر اکرم گفته می‌شود: به مؤمنین بگو: «من در رسالتم مزدی از شما نمی‌خواهم، جز مودت با خویشان نزدیکم.»^{۱۱}
از این آیات چند مطلب مهم استفاده می‌شود:

۱. مؤمنین وظیفه دارند از خدا اطاعت کنند؛ یعنی آنچه را که پیامبر به عنوان وحی از جانب خدا خبر می‌دهد، بپذیرند که این در واقع، اطاعت از خداست.
۲. وظیفه دارند به دستوراتی که از جانب پیامبر، صادر می‌شود نیز عمل کنند؛ چون از جانب خدا بر مسلمین ولایت دارد و واجب‌الاطاعة می‌باشد ﴿وَاطِيعُوا الرَّسُولَ﴾.
۳. وظیفه دارند از صاحبان امر، یعنی حاکمانی که از جانب پیامبر منصوب شده‌اند و امامان معصوم نیز اطاعت کنند.

۴. در موارد اختلاف و تنازع، برای حل آنها به دستورات خدا و پیامبر مراجعه کنند. عمل به این فرمان‌ها، از لوازم ایمان به خدا و روز جزا به شمار آمده است.

۵. در آیه دیگری از مسلمین خواسته شده تا دین توحید را بر پا دارند؛ به احکام و قوانین دین عمل کنند و در گسترش آن در جهان، به پیامبر اعظم ﷺ کمک کنند و از اختلاف، چه در مسائل دینی و چه در بین خودشان، جداً پرهیزند.

۶. در آیه اخیر، مودت ذی‌القربی (یعنی عترت پیامبر ﷺ) که امامان معصوم علیهم‌السلام از مهم‌ترین

مصادیق آن به شمار می روند) به عنوان اجر و مزد رسالت پیامبر اسلام معرفی شده است. کوتاه سخن این که امور یاد شده را می توان از جمله حقوق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار آورد. زائران در زمان حیات پیامبر و وظیفه داشتند در فرصت های ممکن به محضر ایشان مشرف شوند و مراتب وفاداری خود را نسبت به انجام وظایف عرضه بدارند و از ثواب زیارت بهره مند گردند. پس از وفات پیامبر نیز همین وظیفه و ارزش برجاست. زائر مرقد مطهر آن جناب در آن مکان شریف حضور می یابد و با توجه به این که عقیده دارد روح بلند پیامبر در جهان برزخ، حیات دارد و بر اعمال امت نظارت می نماید، نفس و باطن خویش و اعمالش را بر آن جناب عرضه می دارد و مراتب وفاداری خود را به اسلام و پیامبر عظیم الشان نشان می دهد و اگر قصور یا تقصیراتی داشته، از کردار گذشته اش توبه می کند و تصمیم می گیرد آنها را جبران نماید. در چنین زیارتی، زائر می تواند به ثواب های مقرر امیدوار باشد.

حال عبادت و زیارت چیست و چگونه بدست می آید:

بعضی مکان ها به اعتبار انتسابشان به خدای متعال، از قداست و ویژه ای برخوردارند؛ مانند مسجد الحرام و مسجد پیامبر و دیگر مساجد بزرگ و کوچک. در این مکان ها انسان احساس معنویت می کند و بیشتر و بهتر به یاد خدا می افتد و حال عبادت و دعا پیدامی کند و در اثر همین معنویت و توجه است که از ثواب بیشتری برخوردار خواهد شد و به همین دلیل به نمازگزاران سفارش شده تا حتی المقدور نمازشان را در مساجد بخوانند؛ چرا که ثواب های متفاوتی برای شان مقرر شده است.

حرم مقدس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نیز به اعتبار انتسابشان به آن ذوات مقدس همین ارزش را یافته اند. زائر وقتی داخل این مکان های مقدس می شود، غالباً احساس معنویت خاصی می یابد و بیشتر دوست دارد نماز و دعا بخواند و با خدای خویش راز و نیاز کند و عرض حاجت نماید. چه بسا به فکر گناهانش می افتد و توبه می کند. چه زائران فراوانی که در این محیط های معنوی و نورانی به خود آمده و دگرگون گشته اند؛ تارک الصلاة یا کاهل نماز بوده اند، اما نمازخوان شده اند؛ اهل فسق و فجور بوده اند و از کردار خود توبه کرده اند و چه بسا افرادی که به امامت و حتی به اصل اسلام ایمان نداشته اند و در اثر جذب های معنوی آن مکان های مقدس به حق گرویده اند؛ چنان که نمونه های بسیاری از این موارد را دیده یا شنیده ایم.

مفاهیم مطرح شده در زیارتنامه‌ها چیست؟

زیارتنامه خوانی نوعی گفت و گو با شخص زیارت شونده است. بنابراین، زائر باید بدانند با چه کسی سخن می‌گویند و چه می‌گویند و از او چه انتظاری دارد و خواسته‌هایش بر طبق ضوابط اسلامی، صحیح است یا نه. اگر زیارتنامه را به زبان عربی می‌خواند، باید در معانی آن نیز دقت و توجه داشته باشد. خواندن یک زیارتنامه کوتاه، با حضور قلب و توجه به معانی آن، بر خواندن یک زیارتنامه طولانی و بدون توجه به معانی، ترجیح داشته و آموزنده تر است.

مگر در زیارت امام حسین علیه السلام نمی‌خوانیم:

«یا ابا عبدالله أشهد أنك تشهد مقامی و تسمع کلامی و أنك حی عند ربک ترزق فأسأل ربک و ربی فی قضاء حوائجی»^{۱۲} ای ابا عبدالله! شهادت می‌دهم که تو جایگاه مرا مشاهده می‌کنی و کلام مرا می‌شنوی و نزد پروردگارت زنده هستی و از آن مقام عالی، روزی می‌گیری. از پروردگارت و پروردگار من در برآورده شدن حاجتم تقاضا کن.

و در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خوانیم:

«اللهم إني عبدك و زائرک متقرباً إليك بزیارت أخی رسولک و علی کل مأتی و مزور حق لمن أتاه و زاره و أنت خیر مأتی و اکرم مزور فاسئلك یا الله یا رحمن و أن تصلّی علی محمد و آل محمد و أن تجعل تحفتک إیای من زیارة أخی رسولک فکاک رغبتی من النار و أن تجعلنی ممّن تسارع فی الخیرات و یدعوک رغباً و رهباً و تجعلنی من الخاشعین»^{۱۳} خدایا! من بنده تو و زائر تو هستم. به منظور تقرب به تو به زیارت برادر رسولت (علی) آمده‌ام و هر زائری حقی بر زیارت شونده‌اش دارد و تو بهترین زیارت شونده هستی. خدایا! از تو تقاضا دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و تحفه مرا در زیارت برادر رسولت، آزادی‌ام از آتش دوزخ قرار دهی و مرا از آنان گردانی که در انجام کارهای خیر، پیش‌گام باشند و از روی رغبت و ترس، تو را بخوانند و مرا از جمله خاشعین قرار دهی.

در زیارت امام حسین علیه السلام به چند نکته مهم اشاره شده است: اول: اقرار زائر به این که امام حسین علیه السلام در عالم برزخ، زنده است و زائر خود را می‌بیند و کلامش را می‌شنود. دوم: از امام تقاضا می‌کند که برآورده شدن حاجاتش را از خدا بخواهد و در این جهت، خدا را قادر بر همه امور می‌داند.

در زیارتنامه حضرت علی علیه السلام نیز به چند نکته مهم و آموزنده اشاره شده است: اول: زائر، خودش را به عنوان بنده خدا و زائر او معرفی نموده است. دوم: هدف از زیارت حضرت علی علیه السلام را تقرب

به خدا بیان می‌کند. سوم: ادای حق زائر را نیز بر عهده خدا دانسته است. چهارم: پاداش این زیارت را اولاً درود خدا بر پیامبر ﷺ و ثانیاً آزادی از عذاب دوزخ و ثالثاً توفیق بر انجام کارهای خیر و رابعاً تقاضای توفیق این که از جمله خاشعان در برابر خدا باشد، قرار داده است.

با توجه به نکات گفته شده که از باب نمونه بدان‌ها اشاره شد، روشن می‌شود که محتوای زیارتنامه‌ها اموری مهم و آموزنده است و زائر باید به آنها توجه و عنایت داشته باشد و خواندن زیارتنامه‌ها بدون توجه به معانی آنها وافی به مراد نیست و توقع ثواب‌های مقرر بر چنین زیارت‌هایی، انتظاری بی‌جاست. مثلاً یکی از موضوعات مهمی که در زیارتنامه‌ها آمده، شهادت زائر به این حقیقت است که امام، نسبت به انجام وظایف دینی ملتزم و جدی بوده و دشواری آنها را تحمل کرده است. برای نمونه در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است: «السلام علیک یا مولای یا ابا عبدالله و رحمة الله و برکاته. أشهد أنك قد أقمت الصلاة و آتیت الزکوة و أمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و تلوت الكتاب حق تلاوته و جاهدت فی الله حق جهاده و صبرت الأذى فی جنبه محتسباً حتی أتاک الیقین... أتیتک یا مولای یا ابن رسول الله، عارفاً بحقک موالیاً لأولیائک معادياً لأعدائک و مستبصراً بالهدی الذی أنت علیه، عارفاً بضلالة من خالفک، فاشفع لی عند ربک»؛^{۱۴} سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله! رحمت و برکات خدا بر تو باد. شهادت می‌دهم که تو نماز را بر پا داشتی و زکات اموات را پرداخت کردی؛ امر به معروف و نهی از منکر نمودی؛ کتاب خدا را همان‌گونه که باید و شاید قرائت کردی و در راه حق به طور شایسته جهاد کردی و در راه خدا و برای انجام وظیفه، آزار و اذیت‌ها را تحمل نمودی... تا این که گفت به سوی تو آمدم ای مولای من ای فرزند رسول الله! در حالی که زائر تو و عارف به حقت هستم. با دوستان تو دوست و با دشمنان دشمن هستم. به هدایتی که تو پیشوای آن هستی، بصیرت یافتم و به گمراهی مخالفان آگاهم. پس نزد پروردگارت از من شفاعت کن.

خواننده محترم توجه دارد که امور گفته شده در این زیارتنامه، از جمله احکام مهم اسلامی است که زائر در آن شهادت می‌دهد امام حسین علیه السلام آنها را به بهترین صورت انجام داده؛ در حدی که به مقام یقین رسیده است. زائر در پایان این سخن به امام عرض می‌کند: یا ابن رسول الله! من به زیارت تو آمده‌ام، در حالی که به حق تو آگاهم. با دشمنان دشمن و با دوستان دوستم. راه تو را شناخته‌ام - و از آن پیروی می‌کنم - و به گمراهی مخالفان ایمان دارم. در پایان این سخن به امام عرض می‌کند: «پس نزد پروردگارت از من شفاعت کن». اگر زیارت زائر چنین بود، می‌تواند به ثواب‌های مقرر امیدوار باشد.

نکته دیگری که از این زیارتنامه استفاده می شود این است که زائر از روی بصیرت، شهادت می دهد امام حسین علیه السلام به بهترین شکل به وظایف خود عمل کرده و من به ایشان به عنوان امام واجب اطاعت ایمان دارم. پس من نیز باید نسبت به انجام این وظایف و دیگر وظایف اسلامی ملتزم باشم تا از پیروان راستین امام باشم و رستگار گردم. از این رو می توان گفت: توجه به محتوای زیارتنامه ها لازم است؛ چراکه جنبه آموزندگی دارند.

پی نوشت ها:

- ۱ . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۱۹. عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «من زار قبر الحسين عارفاً بحقه غفر الله له تقدم من ذنبه و ما تأخر».
- ۲ . همان، ص ۴۱۸. عن ابي الحسن الرضا عليه السلام قال: «من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في اعلى عليين».
- ۳ . همان، ص ۵۵۴. حمزة بن عمران قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: «قتل حفدتي بارض خراسان، في مدينة يقال لها طوس، من زاره اليها عارفاً بحقه اخذ له بيدي يوم القيامة و ادخلته الجنة و ان كان من اهل الكباثر، قلت جعلت فداك و ما عرفان حقه؟ قال: يعلم انه امام مفترض الطاعة، غريب شهيد، من زاره عارفاً بحقه اعطاه الله عزوجل اجر سبعين شهيداً من استشهد بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله على حقيقة».
- ۴ . احاديث مربوطه را می توان در کتب روایی مانند بحار الانوار، ج ۱۴، ج ۱۰۰ و ۱۰۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰؛ میزان الحکمة، ج ۲ و کتاب سفينة البحار و کتب مزار مانند کامل الزیارة محمد بن قولويه قمی مطالعه کرد. همچنین در کتب روایی اهل بیت علیهم السلام نیز در موضوع زیارت، احادیث فراوانی وجود دارد.
- ۵ . در کتاب کامل الزیارة، بابی برای این گونه احادیث اختصاص یافته (باب ۵۴) و بیش از ۱۸ حدیث در آن آمده است.
- ۶ . وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۵۴.
- ۷ . همان، ص ۳۲۲.
- ۸ . همان، ص ۳۲۱.
- ۹ . نساء، آیه ۵۹: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾.
- ۱۰ . شوری، آیه ۱۳: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيتَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾.
- ۱۱ . شوری، آیه ۲۳: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.
- ۱۲ . شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۷۳۵.
- ۱۳ . همان، ص ۶۷۵.
- ۱۴ . همان، ص ۶۱۲.